

# الباب السابع من الواحد الثاني في بيان يوم القيمة.

حضرت باب

اصلي فارسي



## الباب السابع من الواحد الثاني في بيان يوم القيمة.

ملخص این باب آنکه مراد از يوم قیامت يوم ظهور شجره حقیقت است و مشاهده نمیشود که احدی از شیعه يوم قیامت را فهمیده باشد بلکه همه موهوما امری را توهم نموده که عند الله حقیقت ندارد و آنچه عند الله و عند عرف اهل حقیقت مقصود از يوم قیامت است این است که از وقت ظهور شجره حقیقت در هر زمان بهر اسم الی حین غروب آن يوم قیامت است

مثلا از يوم بعثت عیسی - علیه السلام - تا يوم عروج آن قیامت موسی بود که ظهور الله در آن زمان ظاهر بود بظهور آن حقیقت که جزا داد هر کس مؤمن بموسی بود بقول خود و هر کس مؤمن نبود جزا داد بقول خود زیرا که ما شهد الله در آن زمان ما شهد الله فی الانجیل بود

و بعد از يوم بعثت رسول الله - صلی الله علیه و اله - تا يوم عروج آن قیامت عیسی - علیه السلام - بود که شجره حقیقت ظاهر شده در هیکل محمدیه و جزا داد هر کس که مؤمن بعیسی بود و عذاب فرمود بقول خود هر کس که مؤمن بآن نبود

و از حین ظهور شجره بیان الی ما یغرب قیامت رسول الله - صلی الله علیه و اله - هست که در قرآن خداوند وعده فرموده که اول آن بعد از دو ساعت و یازده دقیقه از شب پنجم جمادی الاولی سنه هزار و دوپست و شصت که سنه هزار و دوپست و هفتاد بعثت میشود اول يوم قیامت قرآن بود و الی غروب شجره حقیقت



ORIGINAL



AUDIO

قیامت قرآن است زیرا که شیء تا بمقام کمال نرسد قیامت اون نمیشود و کمال دین اسلام الی اول ظهور منتهی شد و از اول ظهور تا حین غروب اثمار شجره اسلام آنچه هست ظاهر میشود

و قیامت بیان در ظهور "من یظهره الله" است زیرا که امروز بیان در مقام نطفه است و در اول ظهور "من یظهره الله" آخر کمال بیان است ظاهر میشود که ثمرات اشجاریکه غرس کرده بچیند چنانچه ظهور قائم آل محمد - صلی الله علیه - بعینه همان ظهور رسول الله است ظاهر نمیشود الا آنکه اخذ ثمرات اسلام را از آیات قرآنی که در افتدۀ مردم غرس فرموده نماید

و اخذ ثمره اسلام نیست الا ایمان باو و تصدیق باو و حال که ثمره بر عکس بخشیده در ببحوۀ اسلام ظاهر شده و کل بنسبت باو اظهار اسلام میکنند و او را بغیر حق در جبل ماکو ساکن میکنند و حال آنکه در قرآن خداوند کل را وعده بیوم قیامت داده زیرا که آن یومی است که کل عرض بر خدا میشوند که عرض بر شجره حقیقت باشد و کل بقاء الله فائز میگردد که لقاء او باشد زیرا که عرض بذات اقدس ممکن نیست و لقای او متصور نه و آنچه در عرض و لقاء ممکن است راجع بشجره اولیه است و خداوند طین را بیت خود قرار داده که کسی که یوم قیامت عرض بر شجره حقیقت میشود از اقرار بعرض او و از لقای او ببقای او مستبعد نگشته

و تسع تسع عشر عشر آنی از یوم قیامت بهتر است از آنچه سنین ما بین القامتین میگردد زیرا که ثمره این سنین در یوم قیامت ظاهر میشود چنانچه ثمره هزار و دوست هفتاد سال اسلام از اول این ظهور تا آخر این ظهور که اول غروب شمس حقیقت است خواهد شد و اول این ظهور تا ظهور "من یظهره الله" راجع میشود ثمره آن بقیامت اخری که ظهور او است

ای اهل بیان ترحم بر خود نموده و طول لیل خود را در یوم قیامت باطل نکرده چنانچه محتجبین قرآن کرده که هزار و دوست و هفتاد سال افتخار باسلام کنند و در یوم اخذ ثمره که یوم قیامت است حکم بر غیر اسلام بر ایشان شود که ایشان بهمین حکم باطل میشوند الی قیامة الاخری

چه بسا نفسی که از اول عمر ریاضتها کشیده و مجاهده ها نموده از برای رضای خدا و اگر قائم آل محمد - صلی الله علیه - را در خواب میدید بخواب افتخار مینمود و حال که ظاهر شده بظهور الله که اظهر از هر ظهوری است بآیات و بیناتی که دین اسلام بآن ثابت است عرض بر خدا که نمیشود در جای خود ثمره ایمان خود را که ظاهر نمیکند در جای خود از برای آنچه که خالق شده قائم نمیشود بر جای خود فتوی میدهد بر کسی که شب و روز باو توجه بخداوند میکند ﴿و ایاک نعبد﴾ میگوید و اگر باین هم راضی شود باز در جای خود باین هم راضی نمی شود بلکه بر اولیای حق مینخواهد حزن وارد آورد

ای اهل بیان نکرده آنچه اهل قرآن کردند که ثمرات لیل خود را باطل کنید اگر آنچه که مؤمن بیان هستید در حین ظهور آیات او گفتید الله ربنا و لا نشرك به احدا و ان هذا ما وعدنا الله من مظهر نفسه لن ندعو معه شیئا و بآنچه بر او هستید اطاعت او کردید ثمره بیان را ظاهر کرده اید و الا لایق ذکر نیستید نزد خداوند

ترحم بر خود کرده اگر نصرت نمی کنید مظهر ربوبیت را محزون نکرده که ظاهر میشود بمثل آنکه من ظاهر شدم و عود میفرماید خلق بیان را و حال آنکه در قلوب شما خطور نکرده دون ایمان خودتان سرعت کنید در اجابت خدا و تصدیق بآیات او که او است اجابت "من یظهره الله" و تصدیق کلمات او و بهیچ شیئی از محبوب خود محتجب نگشته که اگر از کلام آن حکمی صادر شود الی یوم القیمة خواهد بود و بهمان اهل جنت در جنت متنعم و اهل نار در نار معذب خواهند بود

و حال که یوم قیامت است محل فصل القضاء در این جبل است و کل بگمان رضای او میکنند آنچه میکنند و بر او راضی میشوند آنچه بر نفس خود راضی نمیشوند و اگر عهد کنید با خداوند خود که راضی نشوید بر هیچ نفسی الا آنچه از برای نفس خود راضی میشوید لعل در قیامت اخری اگر بقاء الله فائز نمیگردید آیه الله را هم محزون نکرده باشید از نفع کل متدینین بیان میگردد هر گاه شما از ضرر باو بگذرید اگر چه میدانم نخواهید کرد چنانچه من در این قیامت از نفع متدینین بقرآن گذشتم و لیکن شماها از ضرر رسانیدن خود نگذشتید و هیچ ناری اشد نیست از برای شما عند الله که شب و روز توجه کنید بمن بسوی خدا و حکم کنید بر من آنچه بر نفس خود راضی نمیشدید و سیحکم الله بینی و بینکم بالحق انه هو خیر الحاکمین.

